

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهر روز فرهیخته
۰۶ اپریل ۲۰۱۶

انتخابات عمومی یک عوامفریبی بزرگ در رژیم اسلامی است

شعار تأیید یا تحریم انتخابات عمومی اگر مشروط به واکنش مثبت یا منفی توده های مردم به آن باشد در هر دو حالت دنباله روی از توده هاست. دنباله روی در سیاست مبنا و معیاری اصولی ندارد. زیرا نمود چیزها (به ویژه در سیاست) همواره بازتاب درست و دقیقی از ماهیت آنها نیست و در مواردی صرفاً عوامفریبانه است.

پس مبنا و معیار تأیید یا تحریم انتخابات عمومی چیست؟ پیش از پاسخ به این پرسش باید روشن کرد که انتخابات عمومی نه شکل حکومت پارلمانی، بلکه انتخابات عمومی و خود پارلمان نیز صرفاً ابزارهای جانشین پذیر یک شکل از حکومت اند (۱). آن شکل از حکومت – که انتخابات عمومی به عنوان ابزار قدیمی و کهنه آن به کار می آید – دموکراسی است. انتخابات عمومی همچون نمود، تنها به گونه ای حقیقی زمانی با ماهیت خود تا حدی منطبق است که شکل حکومت دموکراسی باشد. دموکراسی در خالص ترین شکل آن، متفاوت از اشکال تاریخی اش، به معنی حکومت توده های مردم بر طبقات دارا است (۲). این مفهوم، با دموکراسی پرولتری یعنی مرحله نهائی تاریخی آن، که حاکمیت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان است، منطبق می باشد.

بنابراین مبنا و معیار تأیید یا تحریم انتخابات عمومی رابطه ای است که آن انتخابات عمومی با دموکراسی دارد. منظور از بررسی رابطه یک انتخابات عمومی معین با دموکراسی، صرفاً بررسی رابطه آن با شکل خالص دموکراسی نیست، بلکه بررسی یک انتخابات عمومی معین با شکل هائی از وجوه طبقاتی – تاریخی این یا آن دموکراسی است. روشن است که این رابطه هر چه بیشتر شکل خالص دموکراسی را بازتاب دهد، به شکل خالص آن نزدیک تر باشد، باید ضریب تأیید آن انتخابات عمومی افزایش یابد و به عکس هر چه از این شکل خالص دورتر باشد ضریب منفی آن بزرگ تر خواهد بود. این ضریب منفی شرکت در یک انتخابات عمومی، می تواند چنان بزرگ شود که به تحریم کامل آن انتخابات عمومی منجر گردد. این در زمانی رخ می دهد که حکومت یک کشور به طور پیگیر ضد دموکراتیک باشد یا آن انتخابات عمومی چنان تدارک داده و سازماندهی شود که نقش توده های مردم در سامان یابی سیاست کشور به هیچ یا تقریباً به هیچ تنزل کند. اگر در نتیجه یک انتخابات عمومی هیچ امکانی برای پیشبرد ذره ای از دموکراسی و منافع توده های مردم ممکن نباشد یا هیچ تریبونی برای ابراز نظرات طبقات تحت سلطه و ابراز مخالفت با سیاست های حاکم وجود نداشته باشد، اصولی ترین موضع کمونیست ها تحریم آن انتخابات عمومی است. زیرا اولاً کمونیست ها علاوه بر

نمایندگی منافع فوری پرولتاریا نمایندگی منافع آینده آن را نیز به عهده دارند و ثانیاً از دامن زدن به توهم توده ها بری باشند و ثالثاً حتی در آینده نیز در معرض این اتهام قرار نگیرند که در توهم آفرینی برای توده های مردم شریک ارتجاع حاکم بوده اند.

آیا کسی در ایران وجود دارد که نداند رژیم جمهوری اسلامی یک حکومت دینی است؟ آیا روشن نیست که یکی از پایه های دموکراسی جدائی دین و دولت از یک دیگراند؟ رژیم جمهوری اسلامی همچون دولتی دینی نافی جدائی دولت و دین که یکی از پایه های دموکراسی است، می باشد. آیا هیچ کمونیستی یا دموکراتی در مورد انتخابات عمومی در رژیم اسلامی مجاز به چشم بستن بر این حقیقت است؟ وانگهی رژیم اسلامی در ایران یک دولت اسلامی ساده نیست. در این رژیم ولایت مطلقه فقیه حاکم بر مقدرات کلی و جزئی زندگی توده های مردم است و یکی از ابزارهای مهم آن، شورای نگهبان، پالایه ای (فیلتری) است که هیچ کسی که زبان مردم باشد نمی تواند از این پالایه (فیلتر) بگذرد.

جریان رفرمیست در میان چپ ایران طرفدار تأیید انتخابات عمومی حاضر است. این جریان معتقد است که علاوه بر اصلاح طلبان حکومتی بخش قابل ملاحظه ای از اصلاح طلبان غیر حکومتی وجود دارند که وظیفه رفرمیست های کارگری تقویت این بخش از اصلاح طلبان است و به همین خاطر باید به تأیید انتخابات عمومی پرداخت. در میان چپ ها جریان دیگری با مواضع پراگماتیستی وجود دارد که با تحریم انتخابات عمومی کنونی موافقت ولی در عین حال معتقدند که نباید به تبلیغ برای تحریم انتخابات عمومی کنونی پرداخت. زیرا به نظر آنان تبلیغ تحریم انتخابات عمومی به زیان اصلاح طلبان غیر حکومتی تمام خواهد شد و این «موضع منفی» با کنار زدن اصلاح طلبان غیر حکومتی به نفع اصول گرایان اقتدارگرا تمام خواهد شد. قطعاً این پراگماتیست ها نمی توانند حتی یک نمونه از ورود اصلاح طلبان غیر حکومتی به مجلس اسلامی نشان دهند. در حالی که می توان نشان داد که مقامات امنیتی مهم رژیم اسلامی مانند دری نجف آبادی، ری شهری، فلاحیان و علوی و دیگران با فرارگرفتن در لیست هاشمی رفسنجانی عملاً به کاندیداهای اصلاح طلبان حکومتی و غیر حکومتی تبدیل شده اند.

عوامفریبی انتخابات عمومی در رژیم اسلامی صرفاً یک عوامفریبی محض در توده های مردم نیست، بلکه از سوئی ابزار و وسیله ای هم هست که دو بخش حاکمیت توسط آن جایگاه انحصاری خود را در به دست گرفتن سکان سیاست کشور تثبیت می کنند و از سوی دیگر وسیله ای است که آنها نه تنها اعتبار رژیم اسلامی را، بلکه اعتبار جناح خود را نیز در روابط بین المللی نشان می دهند. سخنان خامنه ای به عنوان رأس جناحی که خواهان اقتدار نظامی در منطقه خاورمیانه است تا با این اقتدار سلطه اقتصادی بوروژوازی بوروکراتیک - نظامی ایران در منطقه تأمین شود و سخنان رفسنجانی به عنوان رأس سرمایه داری بزرگ خصوصی که خواهان توسعه اقتصادی در همکاری با امپریالیسم است، در رابطه با انتخابات عمومی گویای این امر است.

پانوشت ها

(۱) بدین خاطر جانشین پذیر، زیرا که نظام شورائی به مراتب بهتر از نظام پارلمانی می تواند دموکراسی را تأمین کند.

(۲) تعریف دموکراسی به عنوان حکومت مردم بر مردم، همچون حق من بر من، پوچ و بی معنا است؛ زیرا حکومت همواره رابطه سلطه یکی بر دیگری در مقیاس اجتماعی است.

اسفند [حوت] ۱۳۹۴